

پاسخ به پرسشهای شما درباره گرایش جنسی و همجنسگرایی

(گرفته شده از psychology and you ÷ از انجمن روانشناسان آمریکا) مترجم : نسیم

گرایش جنسی چیست؟

گرایش جنسی یکی از چهار جز جنسیت بحساب می آید و با پایداری احساسی، رمانتیکی، کشش جنسی یا جاذبه عاطفی به اشخاصی از جنس (gender) معینی مشخص میشود. سه جز دیگر جنسیت عبارتند از نری/مادگی بیولوژیکی، هویت جنسی (احساس روانی زن یا مرد بودن)، و نقش جنسی اجتماعی-معاشرتی (بسته به توقعات سنت و نرم فرهنگی از رفتار و کردار زنانه/مردانه).

سه نوع گرایش جنسی بطور عام برسمیت شناخته شده اند: همجنسگرایی - کشش به همجنس، دگرجنسگرایی - کشش به جنس مخالف، و دوجنسگرایی - کشش به هر دو جنس مخالف و موافق. گرایش جنسی از رفتار و عملکرد جنسی متفاوت می باشد؛ چرا که جهت گیری جنسی به احساس، تلقی و برداشت فرد مربوط می شود. اشخاص ممکن است گرایش جنسی خود را در رفتار جنسی خود بروز بدهند و یا ندهند.

چه عواملی باعث می شوند که فرد گرایش جنسی معینی داشته باشد؟

اینکه گرایش جنسی فرد چگونه شکل میگیرد، هنوز بر دانشمندان روشن نشده است. تئوریهای متفاوتی، منشا های مختلفی را پیشنهاد میکنند، از جمله عامل ژنتیکی یا عامل هورمونهای داخلی و همینطور تجربه دوران کودکی. بهر حال، بسیاری از دانشمندان در این مورد توافق دارند که گرایش جنسی در اغلب افراد در سنین اولیه کودکی از طریق تاثیر متقابل و پیچیده عوامل بیولوژیکی، روانی و اجتماعی شکل می گیرد.

آیا جهت گیری جنسی انتخابی است؟

نه، گرایش جنسی در اکثر انسانها، در سنین اولیه بلوغ و بدون هیچگونه تجربه جنسی قبلی، ظاهر می شود. بسیاری از افراد، گزارش داده اند که سالیان طولانی برای تغییر جهت گیری جنسی خود از همجنسگرایی به دگرجنسگرایی تلاش کرده اند بدون آنکه در این کار خود موفقیتی حاصل کنند؛ بنا به همین دلیل، روانشناسان بر این باورند که جهت گیری جنسی در اغلب انسانها، یک انتخاب آگاهانه نیست که با اختیار هم بتوان آن را عوض کرد.

آیا همجنسگرایی یک بیماری روانی و یا مشکل احساسی-عاطفی است؟

نه. روانشناسان، روانپزشکان و دیگر متخصصان بهداشت روانی بر این امر توافق دارند که همجنسگرایی نه بیماری است، نه اختلال روانی و یا مشکل احساسی-عاطفی.

بسیاری از تحقیقات بی طرفانه و بی غرضانه در طول ۳۵ سال گذشته به ما نشان میدهند که گرایش جنسی همجنسگرایانه، بخودی خود، ربطی به مشکل احساسی، عاطفی و یا اجتماعی ندارد؛ دلیل اینکه در گذشته، همجنسخواهی یک بیماری روانی تلقی می شد به این علت بود که متخصصان بهداشت روانی و همینطور خود اجتماع، دانش خود را بر پایه داده ها و اطلاعاتی از زنان و مردان همجنسگرا در دوره معالجه (روان - درمانی - مترجم)، قرار داده بودند. زمانی که محققان عرصه تحقیقات و جمع آوری اطلاعات خود را به همجنسگرایان در جامعه که تحت دوره روان درمانی

نبودند، بسط و گسترش دادند، روشن شد که ایده بیمار روانی بودن همجنسگرایان حقیقت ندارد.

آیا زنان لزبین و مردان همجنسگرا میتوانند والدین خوبی باشند؟

بله. مطالعات تطبیقی صورت گرفته از کودکانی که والدین همجنسگرا دارند با کودکانی از خانواده‌های دگرجنسگرا نشان نمیدهند که اختلافی بین رشد طبیعی این کودکان از نظر استعداد، وفق روانی، اجتماعی، محبوبیت در بین دوستان، دوست‌یابی در جامعه، نقش جنسی در اجتماع، هویت جنسی و جهت‌گیری جنسی، دیده میشود.

یکی از برداشتهای تپییک درباره همجنسگرایی، این تلقی نادرست و اشتباه آمیزاست که گویا مردان همجنسخواه بیشتر از مردان دگرجنسگرا، به اغوا کودکان میپردازند. هیچگونه شواهد و مدارکی دال بر اثبات این که همجنسگرایان بیشتر از دگرجنسگرایان به اغوا کودکان دست میزنند، وجود ندارد.

چرا بعضی از زنان لزبین و مردان همجنسگرا، گرایش جنسی

خود را به دیگران بازگو میکنند؟

به این دلیل که تقسیم این بخش از وجود خودشان با دیگران، برای سلامت روانی آنها اهمیت دارد؛ درواقع این امر ثابت شده که پروسه رشد هویت در زنان لزبین و مردان همجنسخواه، که به آن برون‌آیی (Coming out) گفته میشود، عمیقاً به تطبیق روانی (در جامعه-مترجم) بستگی دارد. هرچه هویت مرد و یا زن همجنسگرا مثبت‌تر باشد، سلامت روانی آنها و اعتماد بنفس‌شان هم بیشتر است.

چرا پروسه برون‌آیی برای بعضی از زنان و مردان همجنسگرا مشکل است؟

به دلیل برداشتهای و پیش فرضهای غلط، پروسه برون‌آیی، برای زنان و مردان همجنسگرا میتواند به چالش بسیار بزرگی برایشان تبدیل شود که ممکن است با درد و رنج عاطفی-احساسی همراه باشد. افراد لزبین و شاد (Gay) وقتی متوجه میشوند که به جنس موافق گرایش دارند، اغلب خود را "متفاوت" و "تنها" حس میکنند؛ همینطور، آنها ممکن است از رانده شدن از محیط خانواده، دوستان، همکاران و یا مؤسسات مذهبی که به آن وابسته‌اند، درصورت علنی کردن خود واهمه داشته باشند.

علاوه برآن، همجنسگرایان بطور دائم هدف تبعیض و خشونت واقع می‌شوند. همین عوامل خشونت و تبعیض مانع رشد زنان و مردان همجنسگرا میگردند. در یک نظرسنجی ملی در سال ۱۹۹۸ پنج درصد مردان همجنسگرا و ده درصد زنان لزبین گزارش دادند که مورد خشونت فیزیکی، در رابطه با گرایش جنسی خود واقع شده‌اند. ۴۵ درصد آنها از یک یا چند نوع تبعیض در خلال سالهای زندگی خود گزارش دادند. تحقیقات و نظرسنجیهای دیگر، بطور مشابهی از حد بالای تبعیض و خشونت (بر علیه همجنسگرایان-مترجم) گزارش داده‌اند.

چه باید کرد تا به لزبین‌ها و مردان شاد (Gay) کمک کرد بر پیشداوریها

و تبعیض فائق آیند؟

افرادی که بیشترین برخورد مثبت با زنان و مردان همجنسگرا دارند، کسانی هستند که میگویند یک تا چند شاد و لزبین را از نزدیک می‌شناسند؛ بنا به همین دلیل، روانشناسان بر این باورند که

برخورد و رفتارهای منفی در رابطه با همجنسگرایان به عنوان یک گروه اجتماعی، برداشت و پیش‌داوریهایی هستند که فاقد زمینه تجربی و برخورد عملی و نزدیک با همجنسگرایان می‌باشد. علاوه بر این، محافظت در مقابل خشونت و تبعیض هم بسیار مهم است، همانطور که این مسئله شامل اقلیتهای دیگر هم می‌شود. بعضی از ایالتها (منظور ایالت‌های آمریکا- مترجم) خشونت بر علیه شخص، بدیل جهت‌گیری جنسی او را در زمره "تنفر جنایی" (Hate crime) قلمداد می‌کنند و هشت ایالت آمریکا قوانینی بر علیه تبعیض ناشی از جهت‌گیری جنسی دارند.

آیا درمان و معالجه می‌تواند جهت‌گیری جنسی را عوض کند؟

نه. هرچند که جهت‌گیری جنسی همجنسگرایانه بیماری روانی نیست و هیچ دلیل علمی تلاش برای تغییر لزبین‌ها و افراد شاد به سمت جهت‌گیری دگرجنسگرایانه را توجیه نمی‌کند، اما بعضی افراد ممکن است در پی تغییر جهت‌گیری جنسی خود و یا دیگری (برای مثال، والدین در پی درمان فرزند خود) باشند. بعضی‌ها گزارش می‌دهند که توانسته‌اند گرایش جنسی ارباب رجوع (Client) خود را از همجنسگرایی به سمت دگرجنسخواهی تغییر دهند. دقت کافی در این گزارشات چند مسئله را بر ملا می‌کند: بسیاری از این ادعاها از سوی یکسری سازمانها با ایدئولوژی و دیدگاه معینی به گرایش جنسی، مطرح شده‌اند تا اینکه از طرف محققان بهداشت روانی، خود پروسه درمان و نتایج آنها آنطور که باید و شاید ثبت و ضبط نشده‌اند و مدت زمان تحت نظر داشتن ارباب رجوع (و پی‌گیری نتایج بعد از درمان - مترجم) بسیار کوتاه بوده است. در سال ۱۹۹۰ انجمن روانشناسان آمریکا اعلام کرد که مدارک و شواهد علمی نشان نمی‌دهند که درمان (تغییر جهت‌گیری جنسی - مترجم) اثر دارد و تلاش برای درمان میتواند بیشتر مضر باشد تا سودآور. مسئله این است که عوض کردن و تغییر جهت‌گیری جنسی فرد از تغییر رفتار جنسی او متفاوت می‌باشد. لازمهٔ اینکار (تغییر جهت‌گیری جنسی - مترجم) عوض کردن عاطفه، احساس رمانتیک، جنسی و بازساخت تلقی فرد از خود و هویت اجتماعی اوست. با اینهمه در حالی که بعضی از ارائه‌کنندگان خدمات بهداشت روانی برای تغییر جهت‌گیری جنسی تلاش می‌کنند، دیگران اخلاقی بودن تلاش برای تغییر گرایشی که اختلال (روانی - مترجم) نیست و برای هویت شخصی بشدت اهمیت دارد را مورد پرسش قرار می‌دهند. همهٔ زنان لزبین و افراد شاد که به معالجه رو می‌آورند، خواستار تغییر جهت‌گیری جنسی خود نیستند. همجنسگرایان ممکن است به همان دلائلی بدنبال مشاوره باشند که هرکس دیگری. علاوه بر آن، آنها ممکن است بدنبال کمک روانی برای برون‌آیی یا برخورد با پیش‌داوریها، تبعیض و خشونت باشند.

چرا کسب دانش بهتر دربارهٔ همجنسگرایی برای جامعه ضرورت دارد؟

آموزش همگانی دربارهٔ جهت‌گیری جنسی و همجنسگرایی به احتمال زیاد به نفع پیش‌فرضهای همجنسگراستیزانه می‌انجامد. اطلاعات صحیح و دقیق دربارهٔ همجنسگرایی بخصوص برای جوانانی که با هویت جنسی خود درگیرند، اهمیت دوچندان دارد. ترس و واهمه از اینکه دسترسی به چنین اطلاعاتی بر جهت‌گیری جنسی شخص تاثیر خواهد گذاشت، اعتباری ندارد.

بعضی لغات و اصطلاحات انگلیسی و معادل آنها در فارسی که در این ترجمه استفاده شده :

Lesbian = زن همجنسگرا - لزبین

Gay = مرد همجنسگرا / شاد

homosexual / homosexuality = همجنسگرا / همجنسگرایی

Gender = جنس (مرد / زن)

sexual orientation = گرایش جنسی - جهت گیری جنسی

Sexual identity = هویت جنسی

Social sex role = نقش جنسی اجتماعی - معاشرتی

Sexual attraction = کشش جنسی

Sex = آمیزش جنسی

Sex = جنس - نر / ماده

علاقمندان به مطالعه اصل مقاله بزبان انگلیسی میتوانند به سایت پزشکان همجنسگرای ایرانی

مراجعه کنند. آدرس: www.iraniangaydoctors.com